بیانات در دیدار کارگران به مناسب روز کار و کارگر (۱) - 10 /اردیبهشت/ 1397

بسم الله الرّحمن الرّحیم
و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّةالله فی الارضین.

خیلی خوش‌آمدید عزیزان من ؛ فضای حسینیّه‌ی ما را با حضور صادقانه، مؤمنانه، انقلابی خودتان، با بیاناتتان، با اظهاراتتان نورانی کردید و شیرینی دیدار با جمع عظیمی از طبقه‌ی زحمت‌کش مؤمن فداکار را به ما چشاندید. حقیقتاً جامعه‌ی کارگری ما -همین‌طور که اشاره کردند، بنده هم مکرّر گفته‌ام- یک طبقه‌ی با اخلاص، مؤمن، صادق، زحمت‌کش، نه‌فقط زحمت در کارخانه، [بلکه] زحمت در فضای انقلاب برای اصل انقلاب، برای دفاع از انقلاب، برای دوران جنگ تحمیلی [است].

امروز، نزدیک به روز نیمه‌ی شعبان است. یک جمله راجع به عید نیمه‌ی شعبان عرض بکنم و آن جمله این است که نیمه‌ی شعبان، مظهر امید به آینده است ؛ یعنی همه‌ی امیدهایی که ما به چیزی پیدا میکنیم، ممکن است بشود، ممکن است نشود ؛ امّا امید به اصلاح نهایی به‌وسیله‌ی ولیّ مطلق حضرت حق، حضرت صاحب‌الزّمان (عجّل‌الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه) امید غیر قابل تخلّف است. السَّلامُ عَلَیکَ یا وَعدَ اللهِ الّذی ضَمِنَه ؛ (۲) وعده‌ی تضمین‌شده‌ی خدا است ؛ السَّلامُ عَلَیکَ ایُّهَا العَلَمُ المَنصُوبُ وَ العِلمُ المَصبُوبُ وَ الغَوثُ وَ الرَّحمَةُ الوَاسِعَةُ وَعداً غَیرَ مَکذُوب ؛ (۳) این وعده‌ی تخلّف‌ناپذیر الهی است. فقط هم ما -شیعه- نمیگوییم، فقط هم ما مسلمانها نمیگوییم، [بلکه] همه‌ی ادیان عالم منتظر یک روز آن‌چنانی هستند. امتیاز کار ما این است که ما طرف را می‌شناسیم، وجودش را حس میکنیم، حضورش را قبول داریم، با او حرف میزنیم، با او مخاطبه میکنیم، از او میخواهیم و او هم پاسخ میدهد به ما ؛ تفاوتش این است. دیگران -مسلمانان غیر شیعه و متدیّنین غیر مسلمان- به یک چیز مبهمی معتقدند ؛ ما شیعه نه ؛ مشخّص است که چه میخواهیم، با چه کسی حرف میزنیم ؛ [نیمه‌ی شعبان] روز امید است. عزیزان من، جوانان عزیز، کارگران عزیز! امید را قدر بدانید ؛ امید را در دل نگه دارید ؛ امید به عوض شدن چهره‌ی مُظلِم (۴) و تاریک و مخدوش دنیایی که امروز در زیر سلطه‌ی ابرقدرت‌ها است. بدانید و مطمئن باشید که این وضع عوض میشود، مطمئن باشید که این فضای ظلم و جُوری که امروز مشاهده میکنید در دنیا، از زورگویی، بدگویی، خباثت و رذالت -که مظهرش سران آمریکا و سران صهیونیستند، و دیگران هم کم‌وبیش همین‌جور- این بدون تردید تغییر پیدا خواهد کرد ؛ این، آن امیدی است که ما داریم. ما باید کمک کنیم، از خدا بخواهیم و خودمان تلاش کنیم که آن روز را جلو بیندازیم و نزدیک کنیم ان‌شاءالله.

یک نکته هم درباره‌ی ماه شعبان است ؛ از ماه شعبان نباید غفلت کرد. ماه شعبان از اوّل تا آخرش عید است، مثل ماه رمضان. ماه رمضان هم از اوّل تا آخرش عید است، عیدِ اولیاءالله. هر روزی که در آن موقعیّتی وجود داشته باشد که انسان بتواند به صفای نفسِ خود، به نورانیّتِ دلِ خود بپردازد، آن روز، روز مغتنم و روز عید است. ماه شعبان، ماهِ همین فرصتها است، از روز اوّل تا روز آخر. استغفار در این ماه، دعای در این ماه، زیارتِ در این ماه، تضرّع در این ماه، قرآن خواندن در این ماه، نماز خواندن در این ماه، اینها همه فرصت است. ما برای آبادیِ دنیا همه‌ی تلاشمان را باید به کار ببریم و در این تردیدی نیست امّا برای آبادیِ دل هم باید تلاش کنیم ؛ دلمان را باید آباد کنیم. با دلِ آباد است که میتوان دنیای خوب آفرید ؛ دل اگر آباد نبود، دل اگر چرکین بود، دل اگر سیاه و گنهکار بود، تکنولوژی را ممکن است جلو ببرد، و فتاوری به وضعی که امروز رسیده و بالاتر از آن برسد، امّا دنیا، دنیای شیرینی نیست ؛ دنیا، دنیای تلخ است، دنیا، دنیای بی‌عدالتی است ؛ دنیای شیرین آن‌وقتی [محقّق] میشود که

تصمیم‌گیرندگان، اقدام‌کنندگان، حرکت‌کنندگان، و اگر بشود عامّه‌ی مردم، دلهایشان آباد باشد، دلهایشان روشن باشد. از ماه شعبان غفلت نکنید.

یک جمله بنده عرض میکنم در مورد مسائل کارگری ؛ یک جمله هم -البتّه کوتاه- درباره‌ی مسائل جهانی‌ای که مبتلابه هستیم. در مورد مسائل کارگری، نیروی انسانی یکی از بزرگ‌ترین ثروتهای هر کشور است ؛ یعنی وجودِ کارگر، طرّاح، مهندس، فعّالِ برای تولید در هر زمینه‌ای در کشور، ارزشش برای کشور بمراتب از منابع زیرزمینی و از طلا و از نفت و از الماس و مانند اینها بیشتر است ؛ آن که میتواند یک کشور را آباد کند، این است. الان شما ببینید، کشورهایی در دنیا هستند که همه یا بیشتر الماسِ عالم از کشور آنها تهیّه میشود و تولید میشود امّا خودشان در بدبختی و فقر دارند زندگی میکنند ؛ چرا؟ چون نیروی انسانی کافی ندارند، نیروی انسانی فعّال ندارند، نیروی انسانی بافکر ندارند. نیروی انسانی بزرگ‌ترین ثروت یک کشور است، و نیروی انسانی همین شما هستید ؛ شما کارگر، شما کارآفرین، شما مهندس، شما طرّاح، شما فعّالِ گوناگون در بخشهای مختلف کاری، نیروی انسانی هستید. این ارزش والای نیروی انسانی است، که طبقه‌ی کارگر از جمله‌ی این ارزش والا و این ثروتِ عظیم است.

تلاش کارگران ما یک تلاش فوق متعارف و متوسّط دنیا است ازلحاظ ارزش‌آفرینی. بنده این را در مورد بخشهای مختلف، در مورد دانشجوها، در مورد محقّقین و پژوهشگران مکرّر گفته‌ام، بعد هم تحقیقاتی که گزارش میکنند، همه تأیید میکند این معنا را ؛ در مورد کارگرها هم عقیده‌ی بنده این است. کارگر ایرانی یکی از بهترین کارگرهای دنیا است، یعنی دست هنرمند او و اندیشه و فکر و انگیزه‌ی بالای او از متوسّط جهانی بالاتر است. و این در حالی است که در دوران اختناق، در دوران ظلم پهلوی، قبل از آن هم در دوران غفلت و خواب دائمی قاجاری، به کار و کارگری و جامعه‌ی کارگری و تولید و مسائل ملّی توجّهی نمیشده است ؛ البتّه در دوران قاجار به‌خاطر حماقت و عقب‌ماندگی ذهنی، در دوران پهلوی به‌خاطر خیانت. درعین‌حال در دوران انقلاب که نیروی کار و کارگر تحرّکی پیدا کرده و نشاط جدیدی پیدا کرده است و ازلحاظ کمّیّت و کیفیّت پیش رفته، ما مشاهده میکنیم که متوسّطِ توانایی‌ها و برجستگی‌های کارگر ایرانی از متوسّط دنیا بالاتر است.

دیروز اینجا یک نمایشگاه کوچکی از تولیدات داخلی درست کردند که بنده ببینم. (۵) من رفتم و چند ساعت مشغول دیدن این نمایشگاه بودم، کارهای شماها را دیدم. واقعاً باید دست هنرمند کارگر ایرانی را بوسید، باید دست شماها را بوسید! این تولیدِ داخلیِ باارزش ازلحاظ کیفیّت، با این‌همه گرفتاری‌ای که ما داریم، با این تحریمها که جلو موادّ اوّلیّه را میگیرند، جلو ماشین پیشرفته را میگیرند، انواع و اقسام مشکلات را مستکبرین عالم جلو پای ما میگذارند ؛ درعین‌حال وقتی انسان به محصول نگاه میکند، میبیند عجب برجستگی‌ای دارد! همه چیز [هم بود]! دیروز اینجا ده‌ها شرکت، محصولات خودشان را -که همین کارهای دست شما است- آوردند اینجا ما دیدیم ؛ از قُماش (۶) و کفش و لباس دوخته و وسایل زندگی و چینی و بلور بگیرید تا دارو و لوازم آرایش و وسایل خانه و یخچال و ابزار و لوازم‌تحریر و همه چیز، که اینجا دیروز به ما نشان دادند -که چند ساعت هم طول کشید- همه برجسته بود، همه ممتاز بود. انسان واقعاً در مقابلِ نیروی کار داخلی سر تعظیم فرو می‌آورد! آن‌وقت بنده که میگویم حمایت از کالای ایرانی، یک عدّه‌ای یا باور نمیکنند یا تصدیق نمیکنند یا عمل نمیکنند! خب حمایت از کالای ایرانی یعنی حمایت از این کارگر، یعنی حمایت از نیروی کار، یعنی حمایت از تولید! این حمایت، همه‌جانبه است ؛ هم مردم باید حمایت کنند، هم دولت باید حمایت کند ؛ همه باید حمایت کنند.

مشکلاتی را مطرح میکردند که این مشکلات، هم مال کارآفرین است، هم مال کارگر است ؛ مشکل بیمه، مشکل کمبود امکانات، مشکل نقدینگی، مشکل موانع مالیاتی، مشکل از ناحیه‌ی بانک، مشکل از ناحیه‌ی وزارت اقتصاد، مشکل از جاهای مختلف ؛ این مشکلات باید برطرف بشود، باید به‌طور جازم و کامل اقدام بشود برای رفع این

مشکلات. وقتی مشکلات برطرف شد، وقتی کالای ایرانی مورد حمایت قرار گرفت، وقتی قدر کار کارگر ایرانی دانسته شد، آن‌وقت دیگر ما شاهد این نخواهیم بود که یک کارخانه‌ای بگوید «من با یک‌سوّم ظرفیّت دارم کار میکنم». دیروز بعضی‌ها به ما همین را میگفتند ما این‌قدر امکانات داریم و این‌جور داریم کار میکنیم: با یک‌سوّم ظرفیّت، با نصف ظرفیّت. خب چرا؟ آن دوسوّم دیگر کارگرهایش کجا هستند؟ این میشود آن بیکاریِ متراکم در داخل کشور. اینکه ما میگوییم «حمایت از کالای ایرانی»، یعنی کار آفریده بشود، کار به وجود بیاید ؛ یعنی کارگر بیکار نداشته باشیم ؛ یعنی جوان تحصیل‌کرده‌ی ما فقط به فکر پشتِ‌میزنشینی نباشد ؛ بداند مطابق شأن خودش، در بخشهای مختلف، میتواند کار بکند. اگر حمایت از کالای ایرانی شد، این پیش می‌آید. چرا یک عدّه‌ای اصرار دارند پولشان را بریزند در جیب کمپانی خارجی؟ این چه مرضی است که جنس خارجی باید مصرف بشود؟ یک‌وقت جنسِ ایرانیِ مشابه نداریم، خب بله، بحثی نیست ؛ بعضی از اجناس هست که تولیدش در داخل منطبق با صرفه نیست، صرفه ندارد ؛ خیلی خب! در داخل، جنس مشابه آن را نداریم. [امّا وقتی] مشابه جنسی در داخل هست، تولید میشود و در کیفیّت هم بعضی مثل کیفیّت مشابه خارجی است، بعضی بالاتر از کیفیّت مشابه خارجی است، چرا بایستی یک عدّه‌ای اصرار داشته باشند که حتماً بروند جنس خارجی و فلان مارک خارجی و مانند اینها را مصرف کنند؟ این چه مرضی است؟ این چه بدفهمی و کج‌فهمی‌ای است که بعضی دارند؟ کالای ایرانی مصرف کنیم. تصمیم بگیریم ؛ مؤسّسات بزرگ، خود دولت، دیگران، همه تصمیم بگیرند که از کالای [ایرانی حمایت کنند]. ما تعصّب علیه دیگران نداریم، نمیخواهیم دشمنی کنیم ؛ ما میخواهیم فرزند خودمان، جوان خودمان و کارگر خودمان را وادار کنیم به کار ؛ میخواهیم او را سرگرم اشتغال کنیم، میخواهیم او را از مضرّات بیکاری نجات بدهیم. بیکاری خیلی مضرّات دارد ؛ مضرّات اجتماعی دارد، مضرّات امنیّتی دارد، مضرّات اخلاقی دارد، انواع و اقسام مضرّات دارد. این را میخواهیم ؛ راهش همین حمایت از کالای ایرانی است. از کالای ایرانی، از تولید ایرانی، بایستی طرف‌داری بشود و حمایت بشود.

بهترین مقابله‌ی با دشمن هم این است. ببینید عزیزان من! دشمنان ما فهمیده‌اند و دانسته‌اند که در جنگ سخت نظامی طرْفی نخواهند بست. چند سال قبل از این، یک رئیس‌جمهور دیگر آمریکا -که آن هم مثل این بداخلاق و بی‌ربط‌گو و هجوگو بود- یک چیزهایی گفت علیه ما. بنده در سخنرانی همان چند سال پیش گفتم «آقاجان، دوران بزن‌دررو گذشته ؛ بزنید، میخورید». (۷) میدانند این را ؛ این را میدانند که اگر وارد درگیری و برخورد سخت و نظامی با ما بشوند، پایشان گیر می‌افتد. بله، به ما ضربه میزنند، امّا خودشان ممکن است چند برابر ضربه بخورند ؛ این را فهمیده‌اند. راهی که پیدا کردند، جنگ اقتصادی و جنگ فرهنگی و مانند اینها است. حالا بحث فرهنگی به کنار، [امّا] امروز آنچه مطرح است برای دشمنان ما، جنگ اقتصادی است. اتاق جنگ آمریکا علیه ما عبارت است از وزارت خزانه‌داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی‌شان است ؛ آنجا اتاق جنگ با ما است. خب راه مقابله‌ی با جنگ اقتصادی چیست؟ این است که ما در داخل به اقتصاد خودمان بپردازیم. وقتی اقتصاد ما متّکی بود، وابسته بود، مشکلات به وجود می‌آید. البتّه بنده عقیده ندارم به اینکه رابطه‌ی اقتصادی را از دنیا باید قطع کرد یا میتوان قطع کرد ؛ معلوم است که نمیتوان ؛ امروز همه‌ی دنیا به هم مربوط و متّصل است امّا تکیه‌ی به بیرون از مرزها غلط اندر غلط است ؛ نباید تکیه کرد. بله، بروند با زرنگی، با تدبیر، با سیاست‌گذاری درست، با پیگیری صحیح، با جدّیّت، ارتباطات با دنیا [برقرار کنند]. دنیا بزرگ است ؛ دنیا که فقط آمریکا و چند کشور اروپایی نیست ؛ دنیا خیلی وسیع است ؛ بروند ارتباطات را برقرار کنند به آن مقداری که لازم هست امّا چشم ندوزند به هیچ نیروی خارجی ؛ چشم بدوزند به عنصر داخلی، چشم بدوزند به این ارزش بزرگ: نیروی انسانی داخل. وقتی مردم ببینند که ما مسئولین اصرار داریم بر اینکه مشکلاتمان را در داخل حل کنیم و از ظرفیّتهای داخلی استفاده کنیم، ولو یک سختی‌ای هم برایشان پیش بیاید، تحمّل میکنند، کمکمان میکنند ؛ این را مسئولین محترم کشور باید توجّه داشته باشند که تکیه‌ی به خارج نبایستی کرد.

یک راه آمریکایی‌ها برای مقابله‌ی با نظام آزادی‌خواهِ مستقلّ جمهوری اسلامی -که آنها با همین آزادی‌خواهی‌اش مخالفند، با همین مستقل بودنش مخالفند، میگویند زیر پرچم ما باشید، زیر چتر ما باشید، دستور ما را اطاعت کنید، طبق خواست ما سیاست‌گذاری کنید چون اسلحه‌ی ما بیشتر است، چون قدرت ما زیادتر است، [چون] پول ما افزون‌تر است ؛ آنها این را میخواهند- همین کار اقتصادی است، یک [راه] -هم برای اینکه شماها مطلع باشید و توجّه داشته باشید- تحریک بعضی از دولتهای کم‌فهم، چه تعبیر کنیم! دولتهای بی‌توجّه در منطقه‌ی خودمان به ایجاد اختلاف و درگیری و دعوا و این چیزها است. آمریکایی‌ها میروند می‌نشینند پهلوی این سعودی‌ها که آنها را تحریک کنند علیه جمهوری اسلامی ؛ خب شما که میخواهید تحریک کنید، چرا صهیونیست‌ها را که نوکر خودتان هستند -به یک معنا نوکرند، به یک معنا اربابند- تحریک نمیکنید؟ آن بدبخت‌ها -سعودی‌ها- را چرا تحریک میکنید؟ میگویند میخواهیم جنگ مسلمان با مسلمان راه بیفتد. یکی از برنامه‌های آنها تشویق کردن و تحریص کردن و تحریک کردن یک کشورهایی از [این] قبیل است -که حالا من سعودی را به‌عنوان مثال عرض کردم- برای مواجهه و مقابله و سینه‌به‌سینه شدن با جمهوری اسلامی. آنها اگر عقل داشته باشند، باید گول این دشمن را نخورند ؛ اگر با جمهوری اسلامی سینه‌به‌سینه بشوند، قطعاً ضربه میخورند و شکست میخورند. آنها میخواهند هزینه‌ی مقابله‌ی با نظام جمهوری اسلامی و ملّت مقتدر ایران را خودشان متحمّل نشوند و هزینه‌اش را به دوش این دولتهای این‌جوری در منطقه بگذارند.

کار آمریکا ایجاد ناامنی است ؛ هرجا آمریکایی‌ها در این سالها پا گذاشتند ناامنی ایجاد کردند. در هر نقطه‌ای -چه نقطه‌ی غرب آسیا که ما هستیم، چه در نقاط دیگر عالم ؛ هرجا که رفتند- ایجاد ناامنی کردند ؛ یا جنگ داخلی راه انداختند، یا برادرکُشی راه انداختند، برای مردم بدبختی آوردند هرجا که رفتند. برای همین هم هست که جای پای آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا باید برچیده بشود ؛ آمریکایی‌ها بایستی از منطقه‌ی غرب آسیا بیرون بروند ؛ آن که باید پایش قطع بشود از اینجا آمریکا است، نه جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی خود ما هستیم، ما اهل اینجاییم، خلیج فارس خانه‌ی ما است، غرب آسیا خانه‌ی ما است، اینجا خانه‌ی ما است ؛ شما بیگانه‌اید، شما از راه دور آمده‌اید، شما اهداف خباثت‌آمیز دارید، شما میخواهید فتنه ایجاد کنید، شما باید بروید. و بدانید آمریکایی‌ها و بقیّه‌ی کسانی که مثل آنها هستند از این منطقه پایشان قطع خواهد شد.

یکی از چیزهایی که در باب مسئله‌ی حمایت از کالای ایرانی بنده تأکید دارم و بارها هم این را گفته‌ایم -حالا آقای وزیر هم اینجا هستند- و ان‌شاءالله بایست به‌طور جدّی در دولت و اطراف قضیّه دنبال بشود مسئله‌ی جلوگیری از واردات بی‌رویّه و جلوگیری جدّی از قاچاق است که شکایت و گِله‌ی خیلی از این مسئولان و کسانی که در زمینه‌ی مسائل کالای ایرانی فعّالند [مثل] کارآفرین، سرمایه‌گذار، کارگر ماهر و دیگران این است که جنس خارجی می‌آید، غالباً هم با کیفیّت پایین و رقابت میکند -رقابت نابرابر و نامتوازن- با جنس داخلی و رواج جنس داخلی را محدود میکند ؛ این از جمله‌ی چیزهایی است که حتماً بایستی جلویش گرفته بشود. البتّه مطالبی که آقای وزیر امروز اینجا گفتند و کارهایی که انجام گرفته است یا دارد انجام میگیرد اینها کارهای باارزشی است ؛ ان‌شاءالله دنبال کنند که تحقّق پیدا بکند و خروجی کارها دیده بشود، یعنی احساس بشود خروجی کارها ؛ و ان‌شاءالله روزبه‌روز جامعه‌ی کارگری ما، بخصوص جوانهای عزیز کارگر، به آینده دلگرم‌تر و امیدوارتر بشوند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، آقای علی ربیعی (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) گزارشی ارائه کرد.
۲) فرازی از زیارت آل یاسین
۳) احتجاج ، ج ۲ ، ص ۴۹۳ (زیارت آل یاسین)

۴) تیره و تاریک شده
۵) بازدید از نمایشگاه کالای ایرانی در حسینیّه‌ی امام خمینی (قدّس سرّه الشّریف) در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۹
۶) پارچه
۷) از جمله، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام (۱۳۸۶/۶/۳۱)